

فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰
صفحات ۱۵۳ - ۱۸۴

شیعه بنیادگذار دانش صحابه‌نگاری^۱

محمد رضا هدایت‌پناه^۲

چکیده

مسلمانان در سده نخست هجری به دلایل گوناگونی، به سیره نبوی توجه کردند و دانش سیره‌نگاری را بنیاد گذاردند، اما بر اثر ارتباط صحابه با پیامبر(ص)، توجه به این طبقه بسی مهم شد و به فهرست‌نویسی درباره صحابه انجامید و زمینه‌ای برای پیدایی دانشی مستقل به نام «صحابه‌نگاری» فراهم آمد. شیعه در پیدایی و دگرگونی این دانش، بسیار تأثیر گذارد؛ چنان‌که بر پایه منابع کهن تاریخی می‌توان شیعه را بنیادگذار آن برشمرد. طبق بررسی‌های به عمل آمده می‌توان پذیرفت، نوشته‌های صحابه‌نگاران شیعی در صحابه‌نگاری‌های پسین اهل سنت نیز تأثیرگذار بوده است.

کلیدواژگان

شیعه، دانش صحابه‌نگاری، صحابه‌نگاران شیعه، صحابه‌نگاران اهل سنت.

۱. تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۱۸. تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۲۶

۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (hedayatp@rihu.ac.ir)

صحابه رسول الله (ص) در سده نخست هجری به‌ویژه از قرن دوم به بعد، بر اثر رویدادهای سیاسی، اجتماعی و فکری که در جامعه اسلامی رخ داد، از جایگاهی برتر نزد مسلمانان برخوردار شدند و توجه به آنان فزونی گرفت. این جایگاه و توجه به آن، در عرصه دانش و علوم، به پیدایی رشته‌ای به نام «صحابه‌نگاری» انجامید که به مسائل مربوط به صحابه می‌پرداخت. فرآیند پیدایی و دگرگونی این دانش در بیش از ده قرن میان مسلمانان، موضوعی بسیار گسترده است که در جای دیگری باید به گستردگی درباره‌اش سخن گفت. روشن است که آغاز و انجام هر دانشی با توجه به فراز و فرودهای ویژه خودش، با یک‌دیگر بسیار متفاوتند. تأثیر شیعه در این پیدایی و گسترش این بخش از دانش‌های اسلامی، به عمد یا سهو نادیده گرفته شده است، اما بر پایه منابع تاریخی، شیعیان، نخستین گروه از مسلمانان بودند که بدین دانش پرداختند.

کتاب‌هایی را که شیعیان در این باره نوشتند، با صحابه‌نگاری‌های سده پنجم شاید نتوان سنجید؛ زیرا فروعی در هر علمی پدید می‌آیند که در بالندگی آن از دید ساختاری و محتوایی تأثیر می‌گذارند، اما تنها ناآشنایان با دانش و تمدن بشری، نقطه آغازین دانش را با نقطه پایانی‌اش یک‌سان می‌خواهند و می‌پندارند. بر پایه سنجش آغاز و انجام صحابه‌نگاری که در جای دیگری سامان گرفته است، نوشته‌های شیعیان در سده اول و دوم با برخی از نوشته‌های صحابه‌نگاران اهل سنت در سده‌های سوم و چهارم برابری می‌کند. برای نمونه، کتاب هشام کلیبی با *التاریخ الکبیر* بخاری از دید ساختار و محتوا متفاوت نیست و حتی از دید عرضه اطلاعات تاریخی، بر آن می‌چربد.

در این پژوهش مقصود از شیعیان، گروه خاصی از شیعه نیست، بلکه شیعه در این بحث در معنای عامش (همه گروه‌های آن) به کار می‌رود. بنابراین، تشیع امامی که به آغاز شدن امامت با انتصاب امامت علی (ع) پس از پیامبر (ص) و ماندگاری این منصب در فرزندان آن حضرت باور دارد، در این چارچوب جای می‌گیرد. از این‌رو، زیدیه، جعفریه، فطحیه، اسماعیلیه، واقفیه و اثناعشریه نمونه‌های فرق تشیعند. البته با نگاهی تاریخی به جامعه مسلمانان، دو گروه دیگر نزدیک به شیعه می‌توان یافت: ۱. تشیع

سیاسی که به‌رغم عثمانیه تنها عثمان را نمی‌پذیرفتند، بلکه افزون بر خلافت مشروع ابوبکر و عمر، به خلافت علی (ع) و دوستی با آن حضرت پای‌بند بودند؛ ۲. اهل سنت محب^۱ اهل بیت (ع).

زمینه‌های پیدایی دانش صحابه‌نگاری

با توجه به بستر تاریخی و اجتماعی سیره‌نگاری، این دانش بر اثر پیوند نزدیکش با صحابه رسول الله (ص) در کنار خود دانشی پدید آورد که نخست بخشی از سیره‌نگاری به شمار می‌رفت، اما بعدها خود به دانشی مستقل و پردامنه بدل شد. چنین پیوندی از این سرچشمه می‌گرفت که خاستگاه دانش سیره نبوی، مدینه (پایگاه حکومت نبوی) بود. رویدادهای صدر تاریخ اسلام در مدینه رخ داد و بسیاری از مسلمانان در آن گرد آمده بودند. از این‌رو، بعدها بسیاری از مردم این شهر، می‌خواستند بدانند نیاکانشان در رویدادهای روزگار رسالت چه نقشی داشته‌اند. برای نمونه، از مهاجران به حبشه یا از شرکت‌کنندگان در جنگ‌های بدر و احد و... بوده‌اند یا نه. این موضوع برای آنان از دید اجتماعی و منظرهای دیگر بسی مهم می‌نمود. این موضوع را به موضوع سادات می‌توان تشبیه کرد که برخی از افراد به‌انگیزه‌های گوناگون خواستار انتساب خود به آنان بودند. برای نمونه، مردم مدینه از شرحبیل بن سعد (م ۱۲۳) که به اخبار سیره آگاهی داشت، درباره حضور پدرانشان در غزوات می‌پرسیدند، اما او به کسانی که پولی به وی نمی‌دادند، به درستی پاسخ نمی‌داد (ر.ک: ابن عدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۴۱؛ عقیلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۸۸).

چنین کسی می‌توانست با گرفتن پول، کسانی را که از صحابی به شمار نمی‌رفتند یا در غزوات شرکت نکرده بودند، در شمار آنان بگنجاند یا چنانچه پولی به او پرداخت نمی‌شد، به‌دروغ نام کسانی را از فهرست شرکت‌کنندگان در غزوات پیامبر (ص) حذف کند. از همین روی، علمای مدینه به او بدگمان شدند و مغازی او از اعتبار افتاد و از موسی بن عقبه (م ۱۴۱) از کارشناسان این فن، خواسته شد که فهرست اصحاب شرکت‌کننده را در این غزوات سامان دهد (ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۱۶).

۱. برای آگاهی از معنای واژگانی و اصطلاحی تشیع و گروه‌های آن، ر.ک: هدایت پناه، ۱۳۸۹، ص ۱۹ - ۳۰؛ گروه تاریخ (گروه نویسندگان)، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵ - ۷.

تدوین سیره با چنین رویکردهایی، به پیدایی مجموعه‌هایی به نام "تسمیه" انجامید که بعدها خود به شاخه‌ای مستقل و درازدامن به نام "صحابه‌نگاری" بدل شد. بر پایه پژوهش‌های سامان گرفته در این باره^۱ و گزارش‌های تاریخی، صحابه‌نگاری در سده اول، با فهرست‌نویسی آغاز شد و از سده دوم به‌ویژه از اوائل قرن سوم، با نام تسمیه یا اسماء بارها در منابع گوناگون آمد. بخش‌های گوناگونی از *الطبقات الکبری*، نوشته ابن سعد نمونه‌ای در این زمینه است که فهرست‌های گوناگونی را با نام تسمیه عرضه می‌کند. مانند «تسمیه من نزل مکه من اصحاب رسول الله»، «تسمیه من نزل الطائف من اصحاب رسول الله»، «تسمیه من نزل الیمن من اصحاب رسول الله»، «تسمیه من نزل الیمامة من اصحاب رسول الله»، «تسمیه من نزل البحرین من اصحاب رسول الله»، «تسمیه من نزل الکوفة من اصحاب رسول الله»، «تسمیه من نزل البصرة من اصحاب رسول الله»، «تسمیه من نزل الشام من اصحاب رسول الله»، «تسمیه من نزل مصر من اصحاب رسول الله».

خلیفه بن خیاط (م ۲۴۰) در *الطبقات* و ابن ابی خیشمه احمد بن زهیر بن حرب (م ۲۷۹) نیز در بخش‌هایی از کتاب تاریخش به نام *التاریخ الکبیر* معروف به *تاریخ ابن ابی خیشمه*، فصل‌هایی با عنوان تسمیه درباره اصحاب رسول خدا (ص) آورده و بر پایه شیوه ابن سعد؛ یعنی دسته‌بندی جغرافیایی از آنان نام برده است. مانند «تسمیه من کان بالمدینة بعد رسول الله (ص) من اصحابه»، «تسمیه من نزل بالکوفة من اصحاب النبی»، «تسمیه من نزل مکه من اصحاب رسول الله».

افزون بر چنین فهرست‌هایی، نوشته‌های مستقلی با همین نام هست که آقای محمدرضا جلالی در *التسمیات* آنها را گرد آورده است. مانند «تسمیه من شهد مع علی حروبه»، عبیدالله بن ابی‌رافع؛ «تسمیه من قتل مع الحسین»، فضل بن زبیر رسان اسدی کوفی از اصحاب امام باقر و صادق (ع)؛ «تسمیه ازواج النبی و اولاده»، معمر بن مثنی (م ۲۰۹) (حسینی جلالی، ۱۴۰۹، ص ۵۰ - ۶۷).

۱. ر.ک: حسینی جلالی، محمدرضا (۱۴۰۹)، «التسمیات طلیعه المؤلفات فی الحضارة الاسلامیه»، *تراثنا*، ش ۱۵، سال چهارم.

بنابراین، نخستین دوره صحابه‌نگاری، به فهرست‌نویسی صحابه گذشت و از همین روی، سوگیری نام کتاب‌هایی که پس از این به همت صحابه‌نگاران با نام «معجم الصحابه» پدید آمد، به‌خوبی روشن می‌شود. شماری از آنها چنینند:

معجم الصحابه ابويعلى موصلى (م ۳۰۷) (خلیفه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۳۶)؛

معجم الصحابه بَعُوى (م ۳۱۷) (پاشا، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۴۴)؛

معجم الصحابه ابن لال ابوبکر احمد بن علی بن احمد همدانی شافعی (۳۰۸-۳۹۸)

(خلیفه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۳۶)؛

معجم الصحابه اسماعیلی اسماعیلی ابوبکر احمد بن ابراهیم جرجانی (۲۷۷-۳۷۱)

(خلیفه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۳۵)؛

معجم الصحابه عبدالباقی بن قانع (م ۳۵۱)؛

معجم الصحابه ابن منده ابو عبدالله محمد بن اسحاق بن یحیی بن منده اصبهانی

(م ۳۹۵)؛

معجم الصحابه حسین القرشی حسین بن عبدالله (زنده در سال ۴۰۰)

(شیبانی، ۱۴۱۴، ص ۲۱۸).

بحث جایگاه صحابه را در اندیشه تاریخی - کلامی شیعه در جای دیگری باید

دنبال کرد.

نخستین صحابه‌نگار از منظر شیعه و اهل سنت

شاید گمان رود که شیعه با رویکرد انتقادی به عملکرد تاریخی برخی از صحابه (برجسته و بانفوذ) و به دلایل دیگر، در این دانش دست نداشته است تا چه رسد به داشتن سهمی در پیشبرد آن. گسترش این دانش نزد اهل سنت، چنین پنداری را نهادینه می‌کند این دانش از آن اهل سنت و به اصطلاح، شعار و ویژگی آنان است.

این دعوی تا اندازه‌ای درست است و تاریخچه پیدایی و دگرگونی دانش صحابه‌نگاری این سخن را تأیید می‌کند که جایگاه درخوری نزد علمای شیعه نداشته است، اما به‌رغم این پنداشت که صحابه‌نگاری نزد اهل سنت بنیاد گذارده شد و به‌رغم پنداشت ابن حجر که می‌گفت بخاری (م ۲۴۶) نخستین صحابه‌نگار بود (ابن حجر،

۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷۵)، به گواهی تاریخ و بر اثر سیاست منع تدوین حدیث میان اهل سنت^۱، شیعه و شاگردان مکتب اهل بیت (ع) را نخستین مؤلفان و بنیادگذاران در زمینه دانش تاریخ در قالب صحابه‌نگاری باید به شمار آورد. منابع فهرست‌نویسی و کهن نیز این دعوی را ثابت می‌کنند. افزون بر این، دست‌کم پنج تن از شیعیان و اهل سنت پیش از بخاری، به صحابه‌نگاری پرداختند.

از دید تاریخی، کهن‌ترین متن در زمینه صحابه‌نگاری نوشته عیبدالله بن ابی‌رافع با نام «تسمیه من شهد مع امیرالمؤمنین الجمل و صفین و النهروان من الصحابة» است. پس از او می‌توان از هشام بن محمد کلبی (م ۲۰۵) نام برد. واقدی (م ۲۰۷) در میان اهل سنت پیش‌گام چنین تألیفاتی است. اگرچه امروزه *الطبقات* او در دست نیست، اما کاتب و شاگرد او ابن‌سعد با نوشتن *الطبقات الکبری* مطالب بسیاری را از طبقات واقدی حفظ کرد و ساختار اصلی آن را عرضه کرد؛ چنان‌که شائبه انتساب حقیقی این کتاب به واقدی در میان نیست. صحابه‌نگاران زیر و تألیفات آنان در مرحله‌های بعدی تا پیش از بخاری پدید آمدند که این خود مدعای ابن‌حجر را ناپذیرفتنی می‌نماید:

تسمیه من نزل الکوفه من الصحابه، ابو نعیم فضل بن دکین (م ۲۱۹) (ابن‌عساکر، ج ۱۶، ص ۳۷۱)؛

الطبقات الکبری، محمد بن سعد (م ۲۳۱)؛

معرفه من نزل من الصحابه سائر البلدان، ابوالحسن مدائنی علی بن عبدالله (م ۲۳۴) (شیبانی، ۱۴۱۴، ص ۲۲۰)؛

الصحابه عثمانی، محمد بن عثمان اموی مدنی (م ۲۴۱) (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۱۸ و ج ۶، ص ۵۴۱ و ج ۷، ص ۲۲؛ شاکر محمود عبدالمنعم، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۳۴)؛

الصحابه حلوانی، حسن بن علی (م ۲۴۲) (همان، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۳۶)؛

الصحابه دحیم، عبدالرحمن بن ابراهیم (م ۲۴۵)؛

معرفه الصحابه، عباد بن یعقوب رواجنی (م ۲۵۰) (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۲۴۴)؛

۱. اهل بیت و اصحاب آنان از آغاز این سیاست را نمی‌پذیرفتند.

سید بن طاووس، ۱۴۱۳، ص ۱۰۴).

صحابه‌نگاران شیعه و تأثیر کتاب‌های آنان در صحابه‌نگاری‌های اهل سنت

فهرست زیر صحابه‌نگاران شیعی و نوشته‌های آنان را در این زمینه در بردارد که بر تأثیر و جایگاه آنان در دانش صحابه‌نگاری دلالت می‌کند؛ زیرا کتابی با نام‌های «فضایل الصحابه»، «معرفة الصحابة»، «معجم الصحابة»، «اسماء الصحابة» و «تاریخ الصحابه» و... در آثار صحابه‌نگاران اهل سنت کم‌تر دیده می‌شود:

۱. تسمیه من شهد مع امیر المؤمنین (ع) الجمل و صفین و النهروان من الصحابه

نوشته عبیدالله بن ابی‌رافع مولی رسول الله (ص) (م حدود ۸۰). آل ابورافع از نخستین خاندان شیعی مذهب بودند که بیش‌ترشان از فقها و نویسندگان مسلمان به شمار می‌رفتند. ابورافع ۶۸ حدیث از پیامبر (ص) نقل کرده (ابن‌حزم، ۱۴۱۲، ص ۷۰)؛ چنان‌که ذهبی او را دانشمند و فاضل خوانده (ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۶) و نجاشی نیز او را از نخستین نویسندگان و دانشمندان شیعه برشمرده که در فقه کتابی به نام *السنن و الاحکام و القضايا* داشته است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۶).

ابورافع چند فرزند به نام عبیدالله، علی، عبدالله، رافع، حسن و زینب داشت که همه از او روایت کرده (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۱۱۳) و از شیعیان و دوست‌داران اهل بیت بوده و نجاشی در *رجال* و شیخ طوسی در *فهرست و رجال* خود به نام‌ها و شخصیت علمی آنان اشاره کرده‌اند. عبیدالله بزرگ‌ترین فرزند او در اواخر عمر شریف پیامبر (ص) در مدینه زاده و همانند پدر و مادر گرامی‌اش، با عشق به اهل بیت تربیت شد و از علی (ع) دانش فراوان آموخت و از او بسیار روایت کرد و در زمینه فقه، در شمار نخستین مؤلفان شیعی جای گرفت (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۳۸) و کتاب *قضايا امیر المؤمنین* را نوشت (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۴-۱۴۵). او هنر خط را آموخت و در زمان خلافت علی (ع) افزون بر مسئولیتش در بیت‌المال، کاتب آن حضرت بود (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۱۵) و همه نامه‌های آن حضرت را می‌نوشت.^۱

۱. نام عبیدالله با عنوان کاتب یا شاهد در فهرست توقیعاتی که در پایان بسیاری از سندهای رسمی سامان گرفته

وی از این راه به بسیاری از مسائل سیاسی مهم و اندیشه‌های علی (ع) آگاه می‌شد. هم‌چنین در جنگ‌های آن حضرت شرکت می‌کرد (منقری، ۱۴۰۴، ص ۴۷۱؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۹۵؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۳۰۴؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۹، ص ۳۱۳) و کتابی به نام *تسمیه من شهد مع امیر المؤمنین الجمل و صفین و النهروان من الصحابة* نوشت (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۵). وی پس از امیرمؤمنان (ع) در خدمت امام حسن (ع) و کاتب او بود و پس از صلح و بازگشت آن حضرت به مدینه، او نیز به مدینه بازگشت و گویی تا پایان زندگی‌اش در همان‌جا به سر برد (مدرسی، ۱۳۸۳، ص ۴۷). ابراهیم، عبدالله، محمد، عون و معمر که نامش گاهی به معتمر تصحیف شده است، فرزندان عبیدالله و حسن بن محمد بن حنفیه و امام سجاد (ع) از روایت‌کنندگان اویند (ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۱۰).

طوسی از کتاب او با نام *تسمیه من شهد مع امیر المؤمنین علی (ع) الجمل و صفین و نهروان من الصحابه رضی الله عنهم* (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۵) و *طبرانی تسمیه من شهد مع علی من اصحاب رسول الله (ص)* (طبرانی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۴، ۱۹۷، ۱۹۹) و *ابن عساکر تسمیه من شهد مع امیر المؤمنین علی بن ابی‌طالب من قریش و الانصار و من مهاجری العرب* (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۵، ص ۵۰۲) یاد کرده و ابن‌اثیر این عنوان‌ها را برایش برشمرده است:

کتاب عبیدالله بن ابی‌رافع فی تسمیه من شهد مع علی (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۲۸)؛

سیر عبیدالله بن ابی‌رافع فی تسمیه من شهد صفین مع علی بن ابی‌طالب من الصحابه (همان، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۲۲)؛

تسمیه من شهد مع علی حروبه (همان، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۷۰)؛

تسمیه من شهد مع علی رضی الله عنه من اصحاب رسول الله (ص) (همان، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۴۵)؛

تسمیه من شهد مع علی رضی الله عنه من صحابه النبی (ص) (ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۷۰)

تسمیه من شهد مع علی رضی الله عنه صفین (همان، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۹).
گمان می رود هر یک از این نویسندگان به بخشی از نام این کتاب نظر کرده باشند. شاید نکته‌ای که در آغاز روایت قاضی نعمان آمده است، نزدیک‌تر به واقع و سازگارتر با دورنمایه کتاب باشد. او می گوید: از عیدالله درباره مهاجران و انصار و تابعان و افاضل عرب شرکت‌کننده در جنگ‌های امیر مؤمنان (ع) پرسیدند. بنابراین، نام *تسمیه من شهد مع علی حروبه من المهاجرین و الانصار من الصحابه و من التابعین*، درست‌تر و جامع‌تر می‌نماید (قاضی نعمان تمیمی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۶ و ۳۱).

نام شماری از تابعان مانند محمد بن حنفیه، اویس قرنی، زید بن صوحان، علقمه بن قیس و... در این کتاب آمده است. مدرسی محتمل دانسته که بعدها بر این متن چیزهایی افزوده‌اند و شاید همین بخش تابعان از آنها باشد، بلکه ابن ابی‌رافع تنها صحابه را در کتاب آورده بوده است (مدرسی، ۱۳۸۳ش، ص ۴۹). نام ۱۷۳ تن در این اثر دیده می‌شود.

آغا بزرگ تهرانی و پس از او حسن صدر، آن را نخستین کتاب جهان اسلام برشمرده و زمان تدوینش را دوره زندگی امیر مؤمنان (ع) دانسته‌اند (آغابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۸۰). استاد حسینی جلالی با توجه به متن کتاب ابن ابی‌رافع، سخن آغابزرگ را نمی‌پذیرد و تاریخ تألیف آن را پس از شهادت امام دانسته (حسینی جلالی، تراثنا، ۱۴۰۹، ص ۱۹) و آغا بزرگ در بخش علم الرجال به تدوین آن در نیمه دوم سده اول هجری تصریح کرده است (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۸۰).

این کتاب را باید پایه اصلی دانش صحابه‌نگاری برشمرده؛ چنان‌که نوشته‌های عروه بن‌زبیر (م ۹۴) و موسی بن عقبه (م ۱۴۱) و ابن شهاب زهری (م ۱۲۳) پایه‌های اصلی تدوین سیره نبوی - به معنای ویژه اصطلاح سیره - به شمار می‌روند؛ زیرا کتاب ابن ابی‌رافع از منابع مهم و بسیار تأثیرگذار در نوشته‌های صحابه‌نگاران پسین است که نام شماری از آنها چنین است:

کتاب الصحابه مطین؛

کتاب الصحابه ابومنصور باوردی؛

المعجم الکبیر طبرانی؛

معرفه الصحابه ابونعیم اصفهانی؛

الاستیعاب ابن عبدالبر (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۷۱۲). ابن عبدالبر در جاهای گوناگون تنها به حضور صحابه در جنگ‌های علی (ع) بدون ذکر منبعش اشاره کرده و بارها از ابن کلبی یا از صحابه‌نگارانی نام برده که منبع آنان کتاب عبیدالله بن ابی رافع بوده است؛

اسدالغابه ابن اثیر (برای نمونه، ر.ک: ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۲، ۵۰۲، ۵۴۵، ۵۷۰، ۶۲۳ و ج ۲، ص ۵۲، ۵۳)؛

الاصابه ابن حجر عسقلانی (برای نمونه، ر.ک: ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۱۹، ۵۲۲، ۵۶۰، ۵۶۵، ۵۶۹، و ج ۲، ص ۷۴، ۱۲۰، ۱۹۸، ۲۸۹ و ج ۳، ص ۳۲۴، ۴۹۴ و ج ۴، ص ۲۵۴، ۳۲۹، ۴۰۵، ۴۳۱، ۵۹۲ و ج ۵، ص ۴۴۷ و ج ۶، ص ۱۷۷).

عبارت زیر و همانند آن، بارها در صحابه‌نگاری‌های اهل سنت آمده است که بر تأثیرگذاری کتاب ابن ابی رافع در کار این صحابه‌نگاران دلالت می‌کند:

جبیر بن الحباب بن المنذر الأنصاری. قال بن حبان: يقال له صحبة وفي إسناده نظر وذكره مطين في الصحابة وقال: إنه في سير عبید الله بن أبي رافع في تسمية من شهد صفين مع علي من الصحابة أخرجه الباوردي والطبراني عن مطين وابن منده عن الباوردي وأبو نعیم عن الطبراني (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۶۹).

هم چنین متن آن را قاضی نعمان در شرح *الاحیاء* (قاضی نعمان، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۶ - ۳۶) نقل کرده؛ چنان‌که می‌توان گفت این منبع اصیل و کهن مسلمانان از میان نرفته است. افزون بر دو منبع یاده شده، کتاب‌های دیگر صحابه‌نگاران پاره‌های فراوانی را از آن آورده‌اند (ر.ک: ذیل شرح *المعجم الکبیر طبرانی* و *کتاب الصحابه مطین* و *کتاب الصحابه باوردی*). بنابراین، بازسازی آن امکان‌پذیر می‌نماید. منبع قاضی نعمان، محمد بن سلام با اسنادش به عون بن عبیدالله از

پدرش سامان یافته است، اما طبرانی و برخی دیگر از صحابه‌نگاران به روایت از ابن ابی شیبیه از ضرار بن سرد از علی بن هاشم از محمد بن عبید الله بن ابی رافع از پدرش عبید الله بن ابی رافع، طریق دیگری برای این کتاب گزارش کرده‌اند (برای نمونه، ر.ک: طبرانی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۲۳ و ج ۴، ص ۱۴). طریق سوم نیز از علی بن هاشم است که شیخ طوسی آن را چنین می‌آورد:

عن الدروری [وراق احمد بن عبدالله بن احمد بن جلین . نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۸۵] عن ابی الحسین زید بن محمد الکوفی عن احمد بن موسی بن اسحاق عن صفوان بن مرد (سرد) عن علی بن هاشم بن البرید عن محمد بن عبیدالله بن ابی رافع عن عون بن عبیدالله عن ابیه (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۵) نیز ر.ک: نمازی، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۳۴۵.

بی‌گمان، چگونگی تأثیرگذاری کتاب ابن ابی رافع را در منابع یاد شده در این نوشتار نمی‌توان پاسخ گفت. بنابراین، تنها به چند کتاب کهن و اصلی و تأثیرگذار در دانش صحابه‌نگاری اشاره می‌شود:

۲. کتاب الصحابة مطین^۱ (۲۰۲ - ۲۹۷)

ابوجعفر محمد بن عبدالله بن سلیمان حُضْرَمی مُطین کوفی، محدث، فقیه، مفسر و مورخ بزرگ و معتمد کوفه (ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۱۴، ص ۴۲؛ کحاله، بی تا، ج ۱۰، ۲۱۸) بود که تنها محدث شهیر ابوبکر بن ابی دارم از او صد هزار حدیث آورده است (همان، ۱۴۱۰، ج ۱۴، ص ۴۱). مطین نزد پیش از پانصد نفر از شیوخ و استادان شاگردی کرد (همان، ۱۴۱۰، ج ۱۴، ص ۴۲). دارقطنی مطین را کوه علم (صفدی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۲۷۶؛ ابن العماد حنبلی، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۶) و ذهبی «اوعیه العلم» توصیف کرده است (ذهبی، بی تا، ج ۲، ص ۶۶۲). جای تدریس او کنار اسطوانه مسجد کوفه بود که پیش از او بزرگانی همچون ابن مسعود، علقمه، ابراهیم نخعی، وکیع و سفیان ثوری در آنجا تدریس می‌کردند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۷۰). نوشته‌های او افزون بر

۱. برای آگاهی از ضبط این کلمه، ر.ک: سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۳۲۹. ابن ناصرالدین یادآوری می‌کند چنانچه این نام فاعلی (مُطین) خوانده شود، او عبدالله بن محمد استاد ابن منده خواهد بود. ابن ناصرالدین، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۹۰.

کتاب *الصحابه* چنینند: کتاب المسند، کتاب السنن فی الفقه، کتاب الادب، کتاب تفسیر المسند (ابن ندیم، بی تا، ص ۲۸۷؛ ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۱۴، ص ۴۱)، کتاب التاریخ (سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۳۳۰؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۲۲، ص ۲۷۵). این کتاب را تاریخ صغیر نیز خوانده‌اند (ر.ک: ذهبی، بی تا، ج ۲، ص ۶۶۲) که به تاریخ صفین تصحیف شده است (ر.ک: کحاله، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۱۸) و کتاب مسند علی (ع) (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۳۴۲؛ طباطبایی، عبدالعزیز، تراثنا، ش ۲۰، ص ۶۱).

ابن طاووس در «ری الظمان» فضایلی از امام علی (ع) را به نقل از مطین آورده که برگرفته از مسند علی او بوده است (ر.ک: کلبرگ، اتان، ص ۴۵۹ - ۴۶۰). مطین پس از ۹۵ سال زندگی، در ربیع‌الآخر ۲۹۷ در کوفه درگذشت (سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۴۱؛ ذهبی، بی تا، ج ۲، ص ۶۶۲ و ۱۴۱۰، ج ۱۴، ص ۴۴).

بی گمان، کتاب الصحابه مطین از پایه‌های صحابه‌نگاری‌های بعدی است؛ چنان‌که ابن اثیر در اسدالغابه و ابن حجر در الاصابه بسیار از او نام برده‌اند. (ر.ک: ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۷۰، ۲۷۳، ج ۳، ص ۹۹، ۱۲۴، ۱۵۴، ۳۱۲، ج ۴، ص ۵۱، ۲۱۲، ۲۹۹، ۳۲۵، ۴۰۶، ج ۵، ص ۱۷، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۹۰، ۲۹۵، ۳۰۳، ۳۱۰، ۳۱۳؛ ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۲۴، ۴۸۹، ۴۹۹، ۵۲۲، ۵۶۰، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۷۱، ج ۲، ص ۲۸، ۱۰۷، ۲۰۶، ۳۴۴، ۳۸۵، ج ۳، ص ۹۲، ۱۱۵، ۱۴۰، ۲۴۵، ۴۹۵، ج ۴، ص ۵۳، ۲۴۳، ۲۵۵، ۲۶۱، ۳۴۱، ۳۵۵، ۴۶۰، ۵۷۹، ج ۵، ص ۳۶، ۱۷۷، ۲۱۸، ۴۳۸، ۴۸۰، ج ۶، ص ۴، ۳۱، ۵۶، ۶۲، ۸۲، ۲۷۰، ۳۳۸، ۴۰۴، ۵۶۱، ج ۷، ص ۵۸، ۵۹، ۱۰۲، ۱۳۲، ۱۷۹، ۲۱۳، ۲۲۱، ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۹۸، ۳۰۶، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۲۰، ۳۳۵، ۳۴۱، ج ۸، ص ۵۸، ۳۵۴، ۴۱۱).

کتاب عبیدالله بن ابی رافع از منابع اصلی و مهم مطین بوده که بارها از او نام برده است. بهره‌گیری او از این کتاب، بر پایه گزارش‌های صحابه‌نگاران بعدی یاد شده ثابت می‌شود؛ چنان‌که به‌خوبی می‌توان به تأثیر کتاب ابن ابی رافع از طریق مطین در صحابه‌نگاری‌های پسین آگاه شد.

۳. کتاب الصحابه باوردي (م ۳۰۱)

صحابه‌نگار شهیر که کتابش معتمد و مستند صحابه‌نگاران پسین بوده است. وی در مصر ملازم ابن الحداد فقیه شافعی پرآوازه بود و با او درباره حدیث مذاکره می‌کرد و

حداد وی را می‌ستود. صحابه‌نگاران و محدثان شهیری چون ابن‌منده (ابن‌نجر بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۲۰؛ شهرزوی، ۱۴۱۶، ص ۳۶) و ابونعیم و ابن‌عدی (ابن‌عدی، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۱۲۹) از شاگردان باوردی بودند که از وی روایت کرده‌اند (ابن‌عدی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۳۸). کتاب او نزد ابن‌عبدالبر و ابن‌حجر بوده و پاره‌هایی را از آن نقل کرده‌اند (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۵۹۸ و ۱۶۶۶). هم‌چنین مغلطای این کتاب را با عنوان معرفتہ الصحابه داشته است (ر.ک: مغلطای، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۲، ۱۶، ۲۱، ۱۳۰، ۲۱۵، ۲۵۷، ۲۸۹ و...).

برجسته‌ترین ویژگی کتاب باوردی این است که وی از تسمیه عبیدالله بن ابی‌رافع در نوشتن آن بهره برد و معرفتہ الصحابه باوردی از منابع دست‌یابی به این کتاب بسیار ارزش‌مند کهن شیعی است (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۷۱۲). باوردی در نقل‌های خود از این کتاب، بیش‌تر نویسنده را با نام عبیدالله بن ابی‌رافع یاد می‌کند، اما در یک‌جا او را عبیدالله بن ابی‌رافع (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۷۱۲؛ ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۲۰) و در جایی دیگر ابی‌رافع (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۵۴) می‌نامد که تصحیف و اختصار در چنین نام‌گذاری‌ها آشکار است. او در جایی نیز بدون نام عبیدالله و کتابش (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۳۱) از صحابی شرکت‌کننده در صفین نام می‌برد، اما با توجه به دیگر نمونه‌ها، بی‌گمان منبع باوردی کتابی جز تسمیه ابن‌ابی‌رافع نبوده است.

وی در بیش‌تر عبارت‌هایش، تنها می‌نویسد: «فیمن شهد صفین»، اما در یک‌جا از بدریونی آمده است که در صفین حاضر بودند (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۹۷). این نکته را می‌توان اشاره‌ای به برشمردن صحابی گوناگون حاضر در صفین در کتاب ابن‌ابی‌رافع دانست که منابع دیگر نیز بدان اشاره یا تصریح کرده‌اند.

گمان می‌رود باوردی با یک اسناد در کتاب ابن‌ابی‌رافع دست داشته است؛ چنان‌که ابن‌حجر می‌گوید: «اخرج بسنده المتکرر الی عبیدالله بن ابی‌رافع» (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۹۲ و ۶۰۱). ابن‌حجر هرگز به طریق باوردی تا عبیدالله ابن‌ابی‌رافع اشاره نمی‌کند؛ جز آن‌جا که راوی کتاب، به‌روشنی محمد پسر عبیدالله آمده، اما ابن‌حجر اسناد باوردی را بارها ضعیف توصیف کرده است (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۱۹ و ج ۴،

ص ۴۳۱، ۴۹۷ و ج ۶، ص ۱۷۷) که شاید علت آن چیزی جز تشیع راوی نبوده باشد. بنابراین، استناد باوردی به کتاب عبیدالله بن ابی رافع از طریق استاد خود مطین صورت پذیرفته است و گرنه، ابن حجر طریق او را تضعیف نمی‌کرد.

۴. المعجم الکبیر ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی اصفهانی (م ۳۶۰)

خاستگاه او، طبریه شام و زادگاهش عکا (۲۶۰) بود (ابن منده، ابوزکریا، بی‌تا، ص ۲؛ زرکلی، ۱۹۸۰م، ج ۳، ص ۱۲۱)، اما بر اثر شصت سال زیستن در اصفهان و درگذشتش در این شهر (ذهبی، بی‌تا، ج ۳، ص ۹۱۵)، به اصفهان منسوب شده است. وی نخست در سال ۲۹۰ به اصفهان رفت و چندی بعد از آنجا هجرت کرد، اما دوباره به اصفهان بازگشت و تا پایان عمرش در آنجا ماند (طبرانی، مقدمه محقق، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۷). طبرانی از محدثان بزرگ اهل سنت بود که نوشته‌های مهمش درباره حدیث، او را به فردی از برجسته‌ترین حافظان حدیث بدل کرده است. *المعجم الکبیر* و *اللاوسط* و *الصغیر* او از بزرگ‌ترین مجموعه‌های حدیثی اهل سنت به شمار می‌روند؛ چنان‌که تنها *المعجم اللاوسط*، ۵۲ هزار حدیث دارد (بشا البغدادی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۶).

المعجم الکبیر همچون *مسند احمد بن حنبل* بیش‌تر به کتابی حدیثی می‌ماند تا *معجم‌نگاری تاریخی*؛ یعنی نویسنده به اندازه توانش نام همه اصحابی را که از رسول خدا (ص) روایاتی نقل کرده‌اند، در این اثر گرد آورده است. ۱۵۰۰ راوی در این کتاب یاد می‌شوند که ۲۴۰ نفرشان، از صحیبات به شمار می‌روند. طبرانی با توجه به جایگاه «عشره مبشره»، نام آنان را پیش‌تر از دیگران آورده و از صحابه‌نگار معروف؛ یعنی مطین بسیار بهره برده و از طریق او یا مستقل، از کتاب عبیدالله بن ابی رافع برای شناسایی صحابه سود جسته است (طبرانی، ۱۹۸۳م، ج ۲، ص ۱۴۶، ۲۵۹، ۲۸۷، ۲۸۸، ج ۳، ص ۲۲۳، ۲۷۳، ۲۷۶، ج ۴، ص ۱۴، ۳۰، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۱۷، ج ۵، ص ۳۵، ۶۰، ۶۹، ۲۲۵).

۵. فضائل الصحابة محمد بن صباح زعفرانی

هویت نویسنده این کتاب چندان روشن نیست؛ بنابر نقلی از اصحاب امام کاظم (ع)

یا پدر ابوعلی حسن بن محمد بن صباح زعفرانی شاگرد شافعی (م ۲۶۰) بوده است (کلبرگ، ۱۳۷۱، ص ۵۵. نیز ر.ک: سزگین، ۱۴۱۲، ج ۳، مجلد اول (فی الفقه)، ص ۱۹۳).

۶. کتاب من شهد الجمل مع علی من الصحابة

۷. کتاب من شهد صفین مع علی من الصحابة

۸. کتاب من شهد صفین مع علی من البدریین

۹. کتاب من شهد صفین مع علی من الانصار

این چهار اثر، از آن نسب‌شناس و مورخ بزرگ و شهیر شیعی، ابن کلبی ابومنذر هشام بن محمد بن سائب (م ۲۰۵) است. تراجم‌نگاران شیعی او را از نویسندگان و دانشمندان شیعی دانسته‌اند و نجاشی به صراحت درباره‌اش گفته است: وی امامی مذهب بود (کان یختص بمذهبننا) (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۳۴ - ۴۳۵؛ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۲۲۸ - ۲۲۹). وی نزد امام صادق (ع) جایگاهی بلند داشت و آن حضرت بسیار به او توجه می‌کرد؛ چنان‌که گفته‌اند زمانی بیمار شد و بر اثر آن، دانش خود را از یاد برد، اما امام صادق در ظرفی به او آب نوشاند و دانش وی بازگشت (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۳۴). ابن حبان او را غالی در تشیع (ابن حبان، بی‌تا، ج ۳، ص ۹۱) و ذهبی او را رافضی وصف کرده است (ذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۳). احمد بن حنبل و دارقطنی و دیگر علمای اهل سنت به‌رغم اعترافشان به دانش فراوان ابن کلبی، او را با تعبیرهای گوناگون تضعیف کرده‌اند (عقیلی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۳۰۴ - ۳۰۵؛ ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ج ۶، ص ۱۹۶). چنین تضعیفی تنها درباره افرادی روا داشته می‌شود که منسوب بودن آنان به تشیع امامی روشن است.

هشام کلبی بیش از عبیدالله بن ابی‌رافع به شناسایی و شناساندن صحابه سهم دارد؛ زیرا افزون بر تدوین کتاب یا کتاب‌هایی همچون آثار مانند ابن ابی‌رافع، دو کتاب مهم و بنیادین و یگانه درباره نسب نوشت که صحابه‌نگاران را گزیری از خواندن آن نیست؛ چنان‌که شناسایی برخی از صحابه و اثبات صحابی بودن آنان، تنها بر پایه گزارش‌های او به سرانجام می‌رسد. از این‌رو، افزون بر استناد به منابع یاد شده، به کتاب‌های نسب او؛ یعنی *جمهره النسب و نسب معد و الیمن الکبیر*، بسیار

استناد کرده‌اند.

شاید هشام کلبی تنها دو کتاب درباره صحابه داشته باشد که همراه امیرمؤمنان (ع) در جمل و صفین بوده و از این روی که بیش‌تر آنان از انصار و شمار فراوانی از آنان بدری به شمار می‌رفته‌اند (مسعودی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۶۱ و ۳۶۷)، گمان رفته که کلبی درباره صفین سه کتاب نوشته است. هم‌چنین نامحتمل نیست که وی همانند عیدالله بن ابی‌رافع و ابوالعباس ابن‌عقده، تنها یک کتاب درباره اصحاب شرکت‌کننده در جنگ‌های امام علی (ع) نوشته باشد.

این کتاب نزد ابن‌عبدالبر و ابن‌اثیر و ابن‌حجر بوده است و آنان بخش‌هایی را از آن در صحابه‌نگاری‌های خود آورده‌اند. با تتبع در *الاستیعاب* می‌توان دریافت که ابن‌عبدالبر برای شناساندن اصحاب شرکت‌کننده در جمل و صفین و نهروان، نسخه‌ای از کتاب هشام کلبی را داشته و از کتاب عیدالله بن ابی‌رافع نامی نبرده است (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۲۰، ۲۲۸، ۳۲۰، ج ۲، ص ۴۳۱، ۶۰۱، ۶۶۹، ج ۳، ص ۹۴۷، ۹۶۷، ۱۱۶۴، ۱۲۵۷، ۱۲۹۸، ۱۳۳۲، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۵۶۷، ۱۵۷۴، ۱۵۷۷، ۱۶۰۶، ۱۷۴۴، ۱۷۷۵)، اما ابن‌اثیر و ابن‌حجر از هر دو کتاب عیدالله بن ابی‌رافع و هشام کلبی بهره برده‌اند (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۳۱، ۳۱۳، ۵۸۶، ج ۲، ص ۲۱۰، ج ۳، ص ۲۰۳، ج ۴، ص ۱۶۳، ۳۸۲، ۷۱۰، ۷۲۱، ج ۵، ص ۲۵، ۳۲۸؛ ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۰۷، ج ۲، ص ۵۷، ۲۱۹، ۲۳۵، ۳۵۴، ۵۳۲، ج ۳، ص ۳۰۵، ج ۴، ص ۱۴۴، ج ۵، ص ۶۷، ۱۰۷، ۲۶۸، ۳۷۶، ۴۳۱، ۴۷۸، ج ۶، ص ۷۶، ۴۴۶، ۴۷۱، ۵۱۳، ۵۲۲، ۵۵۶، ج ۷، ص ۳۰۳، ۳۷۳). افزون بر این سه صحابه‌نگار شهیر، ابن‌شاهین از صحابه‌نگاران متقدم و معروف از کتاب هشام کلبی بسیار بهره برده است.

۱۰. کتاب الصحابة ابن‌شاهین (۲۹۷ - ۳۸۵ هـ ق)

ابوحفص عمر بن‌احمد بن‌عثمان در صفر ۲۹۷ ق به دنیا آمد و به گفته خودش، خاستگاه او مرورود خراسان بوده است. او یازده سال داشت که به نوشتن حدیث پرداخت (۳۰۸ ق) و باز به گفته خودش، سه نفر از مشایخ او همچون بغوی نیز در همین سن حدیث نوشته‌اند. ابن‌شاهین به شام و بصره (۳۳۲ ق) و ایران سفر کرد و ۳۳۰ کتاب نوشت که تنها تفسیر کبیر او هزار جزء و مسندش ۱۳۰۰ جزء و

تاریخش ۱۵۰ جزء بوده و تنها از بغوی هفتصد یا هشتصد جزء داشته است. هنگامی که کتاب‌های او از میان رفت، بیست یا سی هزار حدیث را به کمک حافظه‌اش دوباره نوشت، اما فقه نمی‌دانست و هنگامی که از مذهب شافعی و دیگران نزد او سخن می‌رفت، چنین می‌گفت: من «محمدی‌المذهب» ام. ابن شاهین یازدهم یا دوازدهم ذی‌الحجه ۳۸۵ چند روز پس از مرگ دار قطنی درگذشت و در کنار احمد بن حنبل به خاک سپرده شد. افزون بر *الصحابه*، *اسماء الثقات*، *فضائل سیده النساء فاطمه (س)* و *ناسخ الحدیث و منسوخه* از آن اوست (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۲۶۵؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۳۷۸؛ ذهبی، بی‌تا، ج ۳، ص ۹۸۷؛ ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۱۶، ص ۴۳۱).

کتاب الصحابه ابن شاهین از مراجع اصلی و کهن و گسترده صحابه‌نگاران پسین به شمار می‌رود. بررسی منابع او در صحابه‌نگاری از کارهای مهمی است که در فرآیند پیدایی و دگرگونی صحابه‌نگاری باید بدان پرداخت. با توجه به نمونه‌های بسیار نقل‌های ابن اثیر و ابن حجر از او، جز مشایخ پراکنده فراوان، منابع اصلی او را چند منبع می‌توان دانست. این منابع سهم فراوانی در صحابه‌نگاری ابن شاهین داشته‌اند. برای نمونه، هشام بن محمد بن سائب کلبی که مرجع دانش تبارشناسی عرب است، از منابع او به شمار می‌رود. ابن شاهین بارها به او تکیه کرده است. این اتکانه‌تها در نام و نسب صحابه که در شناسایی و شناساندن صحابه دیده می‌شود. بخش فراوانی از کتاب صحابه‌نگاری ابن شاهین را اوام‌دار گزارش‌های ابن کلبی در کتاب‌های پیشین و کتاب نسب‌شناسی او می‌توان برشمرد. *الصحابه ابوالعباس ابن عقده*، از دیگر منابع شیعی ابن شاهین بوده است (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۶۷، ج ۴، ص ۳۰۱).

۱۱. *کتاب المعرفة (فی الصحابه) ابوسعید عبّاد بن یعقوب زواجنی اسدی کوفی (م شوال یا ذی‌القعدة ۲۵۰)*^۱
طوسی او را از دانشمندان اهل سنت خوانده (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۲) و سید بن طاووس بر پایه این عبارت شیخ، عبّاد رواجنی را از اهل سنت دانسته است (سید

۱. برای آگاهی از تاریخ وفات او، ر.ک: بخاری، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۶۱؛ بخاری، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۴؛ مزی، ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۱۷۹.

بن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۲۷۱)، اما آغابزرگ می‌گوید: «منظور او این نیست که وی شیعه نیست و الا خارج از موضوع خواهد بود»؛ یعنی *الفهرست* او برای شناساندن کتاب‌ها و نویسندگان شیعی نوشته شده است. وحید بهبهانی در تعلیقه‌اش چنین توضیح می‌دهد: مقصود این است که وی بر پایه تقیه، به مسلک و روش آنان رفتار می‌کرده است. آغابزرگ می‌افزاید: پیش از وحید، شهید ثانی در تعلیقه خود بر خلاصه [الاقوال علامه حلی] درباره کسانی که در کتاب‌های رجالی شیعه «عامی‌المذهب» وصف شده‌اند، مقصود را چنین بازگو می‌کند: آنان از باب تقیه با آنان معاشرت و سلوک نیکو داشته‌اند (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۱۳۳، ج ۲۱، ص ۲۴۴).

توصیف شدن او به شیعی، محدث شیعه، رافضی، بلکه غالی رافضی (بر اثر بدگویی‌اش از عثمان و طلحه و زبیر^۲) و تضعیف شدید برخی از علمای اهل سنت (ابن حبان، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۲؛ ابن عدی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۴۸) درباره او (تصریح به اینکه تضعیفش به دلیل مذهب اوست نه وثاقت و راست‌گویی‌اش در نقل حدیث) (ابن خزیمه، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۷؛ ذهبی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۷۹؛ ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۱۱، ص ۵۳۶؛ ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۹۵)، تشیع رواجی را به خوبی ثابت می‌کند. هم‌چنین روایات مناقب مهم امیر مؤمنان (ع) (کوفی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۷۷؛ قاضی نعمان تمیمی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۶۹؛ طبری شیعی، ۱۴۱۵، ص ۵۸۴؛ سید بن طاووس، ۱۴۱۳، ص ۲۷۱-۲۷۸) و تألیف *اخبار المهدی (ع)* (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۲) و *مناقب اهل البیت* (ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۳۳)، گواهی بر تشیع اوست (بروجت و مطالعات فتنی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۱۴).

با توجه به منابع رجالی اهل سنت، عباد بی‌گمان از شیعیان بود، اما زیدی بودن او بسی محتمل است؛ چنان‌که در قیام ابوالسرایا نیز شرکت کرد. سزگین از معاصران او را شیعی دانسته (سزگین، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۹۸) و سید بن طاووس در ذیل سندی پس از

۱. وی همچون شیخ طوسی، او را «عامی‌المذهب» خوانده است. رک: حلی، ۱۴۱۷، ص ۳۸۰.

۲. او می‌گفت: خدا عادل‌تر از این است که طلحه و زبیر را به بهشت ببرد؛ زیرا آنان با امام جنگیدند. برای آگاهی بیش‌تر در این باره، رک: مزی، ۱۴۰۳-۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۱۷۸-۱۷۸؛ ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۱۱، ص ۵۳۶؛ نقوی، میر حامد حسین ۱۴۰۵، ص ۹۷-۹۸؛ شرف‌الدین، عبدالحسین، ص ۱۴۲-۱۴۳.

نام او گفته است او را امامی یا زیدی دانسته‌اند (سید بن طاووس، ۱۴۱۳، ص ۴۶۲). باری، وی از مشایخ بخاری، ترمذی و ابن ماجه و برخی دیگر از بزرگان اهل سنت بود (امینی، ۱۳۶۶ق، ج ۶، ص ۶۲).

المعرفة فی الصحابة رواجی نزد شیخ طوسی بوده و آن را با دو واسطه از طریق ابوالفرج اصفهانی اخذ کرده است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۲). سزگین به گمان قوی، *المعرفة* او را منبع اصلی ابوالفرج اصفهانی در *مقاتل الطالبیین* دانسته (سزگین، ۱۴۱۲، ج ۲، ۹۸) و این کتاب نزد سید بن طاووس (سید بن طاووس، ۱۴۱۳، ص ۱۰۴) و ذهبی (ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۱۱، ص ۵۳۸) نیز بوده است.

۱۲. فضل الكوفة و من نزلها من الصحابة ابراهيم بن محمد بن سعيد بن هلال بن عاصم بن سعد بن مسعود ثقفی (م ۲۸۳ق)

ثقفی مورخ پرکار و مؤلف پرآوازه *الغار* را تو نخست زیدی بود؛ سپس امامی مذهب شد و برادرش علی او را بر اثر تغییر مذهب از خود راند (سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۵۱۱؛ ابن حجر، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۰۳). ابونعیم نیز ابراهیم را به غلو در تشیع وصف کرده است (ابونعیم اصفهانی، ۱۹۳۴، ج ۱، ص ۱۸۷). گفته‌اند وی بر اثر فراهم نبودن زمینه در کوفه نتوانست *المعرفة* را بخواند؛ زیرا این کتاب در مناقب اهل بیت و مثالب دشمنان آنان بود و از این رو، به اصفهان رفت. او سوگند خورده بود که این کتاب را در جایی بخواند که دشمنان از تشیع دور باشند. مشایخ قمی با گروهی به ریاست احمد بن محمد بن خالد برقی به اصفهان رفتند و از او خواستند به قم بیاید، اما او دعوت آنان را پاسخ نگفت و تا پایان عمرش در همان جا ماند و درگذشت (۲۸۳ق) (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۷؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۷).

۱۳. فضایل الصحابة ابن ابی الثلج ابوبکر محمد بن احمد بن محمد بن ابی الثلج عبدالله بن اسماعیل الکاتب (م ۳۲۵ق)

وی معاصر سعد بن عبدالله (گویی اشعری م ۳۰۱ق) بوده است (نجاشی ۱۴۱۶، ص ۳۸۱؛ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۱۴۳، ج ۲۲، ص ۲۳۰). ابن ندیم او را «خاصی عامی» وصف کرده، اما گفته است: «و التشیع اغلب علیه» (ابن ندیم، بی تا، ص ۲۸۹). نجاشی او را «ثقه، عین» می‌خواند که چنین وصفی درباره عامی المذهب به کار نمی‌رود. هم‌چنین

آمدن نام او در این کتاب که ویژه نویسندگان شیعه است، بر تشیع او دلالت می‌کند. همه نوشته‌های ابن ابی‌الثلج درباره اهل بیت (ع) است. مانند تاریخ الائمه عليهم السلام و کتاب البشري و الزلفي في فضائل الشيعة (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۸۱؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۳۰). این کتاب‌ها نیز به خوبی بر تشیع او گواهی می‌دهند. شیخ طوسی نیز او را از شیعیان برشمرده است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۴۳. کلبی، ۱۳۷۱، ص ۴۲۲).

۱۴. ذکر الشيعة و من ذكرهم هو او من احب من الصحابه، ابو احمد عبدالعزيز بن يحيى بن عيسى جلودي ازدي بصري (م ۳۳۲)

این کتاب در باره اصحابی است که امیرمؤمنان (ع) آنان را دوست داشته و از آنان به نیکی یاد کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۲۴۱). دیگر صحابه‌نگاری‌های جلودی چنینند:

۱۵. کتاب من روی عن علی من الصحابة، معروف به رجال الجلودي (همان، ۱۴۱۶، ص ۲۴۱)؛

۱۶. کتاب ما اسنده عن الصحابه؛

۱۷. کتاب تفسیره عنه الصحابه.

شیخ طوسی جلودی را امامی‌مذهب (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۴۰) و ابن‌ندیم او را از اکابر شیعه امامی خوانده است (ابن‌ندیم، بی‌تا، ۲۴۶). جلودی میان شیعیان همچون مدائنی میان اهل سنت به شمار می‌رود که هر دو را باید شیخ المورخان نامید. او نیز مانند مدائنی نزدیک به دویت کتاب نوشت، اما افسوس که آثار این دو از میان رفته است. بیش‌تر این آثار، تک‌نگارهایی درباره حوادث تاریخ اسلامند و برخی از آنها درباره اصحاب رسول الله (ص) نوشته شده‌اند. (درباره جلودی، داداش‌نژاد، ۱۳۸۶، شماره ۱۰، ص ۶۳ - ۷۷).

۱۸. تسمية من شهد مع امير المؤمنين (ع) حروبه، ابوالعباس احمد بن محمد بن سعيد بن عقده زیدی جارودی (م ۳۳۳ق) (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۹۴؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۷۳)

او از حافظان بزرگ حدیث بود که مجلس درسش در مسجد برائا برپا می‌شد. این مسجد پایگاه شیعیان بغداد به شمار می‌رفت. ابوالعباس بن عقده به نقل فضایل علی (ع) و مثالب صحابه به‌ویژه شیخین می‌پرداخت (دارقطنی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۹؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۲). البته سبط بن جوزی از ابن عقده دفاع کرده و این اتهام را چنین

پاسخ گفته است که وی تنها به نقل فضایل اهل بیت (ع) می پرداخت و از فضایل صحابه و مثالب آنان سخن نمی گفت (سبط بن جوزی، بی تا، ص ۵۴). وی در دفاع از تشیع، *الولایه و من روی غدیرخیم* را نوشت که بی گمان فهرستی از اصحاب رسول الله (ص) در آن آمده و در *تسمیه* نیز به یقین افراد فراوانی را از صحابه پیامبر (ص) نام برده است. با توجه به نام کتاب، این کار ابن عقده صورت کامل شده کار ابورافع و کلبی به شمار می رود و بر این دلالت می کند که شیعیان با تألیف چنین کتابی در پی پاسخ گویی به اتهامات اهل سنت بغداد در دفاع از رهبران جمل و صفین بوده اند. این کتاب بر پایه دیدگاه آنان در حقانیت امیرمؤمنان (ع) نوشته شده و محیط فرهنگی ضرورت تدوین چنین آثاری در آن حس می شده است. ابوالعباس بن عقده (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۶۷؛ ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۰۱) از مشایخ ابن شاهین و ابن سکن بود و آنان در صحابه نگاری های خود از او بهره برده اند.

۱۹. *معجم الصحابة (الحروف بالصحابة)*، حافظ بن سکن، ابوعلی، سعید بن عثمان بن سعید بن سکن بن سعید بن مصعب بن رستم بن برثنه بن کسری انوشروان

او محدث ایرانی الاصل بود که در بغداد به دنیا آمد (۲۹۴ق) و در مصر ساکن شد. او با تجارت بزازی توانست برای کسب دانش به مناطق فراوانی از رود جیحون تا رود نیل سفر کند و با علمای بسیاری در سرخس و خراسان و دمشق و جزیره و مصر و بغداد و واسط و بصره و کوفه دیدار کرد و از آنان بهره برد و آگاهی کاملی درباره انواع علوم به دست آورد. ابوالقاسم بغوی، ابوبکر ابن ابی داوود و ابوالعباس ابن عقده، از مشایخ ابن سکن بودند و ابوعبدالله بن منده صحابه نگار شهیر و از برجسته ترین علمای اهل سنت، از شاگردان وی به شمار می رفت (ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۱۶، ص ۱۱۷-۱۱۸).

او نخستین کسی بود که صحیح بخاری را به مصر برد و منتشر کرد. ابن سکن در مصر درگذشت (۱۵ محرم ۳۵۳ق). افزون بر کتاب صحابه نگاری، نام دیگر نوشته های او چنین است: *الصحيح المنتقى* که به دست علمای اندلس رسیده و ابن حزم آن را بزرگ داشته است؛ *سنن الصحاح الماثوره* (حاجی خلیفه، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۰۶، ج ۲، ص ۱۰۷۴)؛ *السنن فی الحدیث* (باشا البغدادی، بی تا،

ج ۱، ص ۳۸۹).

صحابه‌نگاری او را با نام‌های *الحروف فی الصحابه* (ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۵؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، مقدمه محقق، ج ۱، ص ۸۷)، *کتاب الصحابه* (مغلطای، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۳۱؛ ابن حجر، ۱۴۱۵، مقدمه محقق، ج ۱، ص ۱۴) و *معجم الصحابه* (ابن حجر، ۱۴۰۸، ص ۲۸۷؛ ابن حجر، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴؛ ابن حجر، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۲۷۰) و *معرفة الصحابه* (ابن حجر، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۲۶؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۵) یاد شده است. *الحروف* از منابع بسیار تأثیرگذار در *معرفة الصحابه* ابن‌منده بود.

کتاب ابن‌سکن را در سنجش با کتاب‌های برخی از صحابه‌نگاران پیش‌گام، از مؤثرترین آثار صحابه‌نگاری باید شمرد؛ زیرا بر پایه گستره کمی از آن، گزارش‌های صحابه‌نگاران شهیری چون ابن عبدالبر و ابن‌اثیر به‌ویژه ابن حجر، به خوبی می‌توان آگاه شد. نسخه‌های کهن و مهم این کتاب نزد این صحابه‌نگاران به‌ویژه ابن حجر بوده که آن را نسخه معتمده خوانده (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۴۷؛ همان، ج ۴، ص ۱۸۷؛ ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۶۱، ۶۰۰، ج ۲، ص ۱۴، ۴۰۲، ۴۰۳، ج ۳، ص ۱۵۹، ج ۵، ص ۳۷۵، ج ۷، ص ۱۵۷، ۲۶۸، ج ۸، ص ۴۱۰) و حتی نسخه نزد ابن حجر، با حواشی ابن عبدالبر و با خط خود ابن عبدالبر بوده (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۵۲، ۶۲۳، ج ۲، ص ۵۱۰، ۵۱۷، ج ۳، ص ۳۴۶، ج ۷، ص ۱۹۱) و افزون بر این، برای اثبات صحابی بودن افراد، به مستندات ابن‌سکن بسیار استناد شده است و آن صحابه‌نگاران به‌ویژه ابن حجر، کمابیش همه این مستندات را بدون نقد پذیرفته‌اند.

کتاب از حرف الف تا یاء به بخش کنیه‌ها و صحابیات نیز پرداخته است و گستره آن با توجه به استخراجش از *الاستیعاب* و *اسد الغابه* و *الاصابه* بر این دلالت می‌کند که کم‌تر مدخلی به کتاب ابن‌سکن مستند نیست، بلکه بسیاری از مستندات تنها به این کتاب صورت پذیرفته است و دیگران از او گرفته‌اند. افزون بر

۱. تکرار ابن حجر بر این دلالت می‌کند که این نام را بیش‌تر تأیید می‌کرده است.

۲. ابن عبدالبر از آغاز حروف تا پایان آنها بدین کتاب استناد کرده و بنابراین، سراسر آن را در دست داشته است. ر.ک: ابن عبدالبر، ج ۳، ص ۱۳۷۶.

ابن عقده که از مشایخ ابن سکن بود، باوردی از مشایخ وی به شمار می‌رفت و با توجه به تأثیر کتاب ابن ابی‌رافع در باوردی، او حلقه وصل ابن ابی‌رافع به ابن سکن بوده است.

۲۰. کتاب الصحابة، جعابی (۲۸۴ - ۳۵۵ق)، قاضی ابوبکر محمد بن عمر بن محمد بن سالم بن براء بن سبرة بن سیار (یسار) تمیمی بغدادی

او در صفر ۲۸۴ قبه دنیا آمد و از بزرگ‌ترین حافظان حدیث بود که ذهبی مانند او را ندید؛ چنان‌که کتاب‌هایش از میان رفت، اما به غلام خود گفت: هیچ افسوسی نیست؛ زیرا سند و متن دو هزار حدیث را در یاد دارم. وی از اصحاب شاگردان خاص ابوالعباس بن عقده بود و خود از مشایخ صدوق (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷۳) و مفید (مفید، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۳) به شمار می‌رفت. شیخ طوسی در رجال خود او را در شمار افرادی آورده است که از ائمه (ع) روایت نکرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۴۵). جعابی قاضی موصل و به مذهب تشیع معروف بود و به حدیث و رجال و علوم مربوط به آنها در زمان خودش آگاهی داشت و در این زمینه یگانه دوران بود. چهارصد هزار حدیث در یاد داشت. وی نیمه رجب ۳۵۵ ق در بغداد درگذشت. افزون بر کتاب الصحابه، نام دیگر نوشته‌های او چنین است: من روی

مؤاخذة النبي (ص) مع امير المؤمنين (ع)، من روی حدیث غدير خم، تسامیه من روی الحدیث، المسند (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۲۴۷؛ نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۸۵؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۳۶ - ۲۴۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۱۴۲؛ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۳۷).

مغلطای در الابانه از الصحابه او نام برده است (مغلطای، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۱۴). او افزون بر صحابه‌نگاری، کتاب‌های دیگری درباره صحابه دارد که در بحث تک‌نگاری‌ها به آنها اشاره خواهد شد. گویی او کتابی نیز همانند تاریخ بغداد / خطیب بغدادی داشته که شرح حال افراد وارد شده به بغداد در آن آمده بوده است.

۲۱. کتاب الرجال المختارین من اصحاب النبی (ص)

۲۲. ذکر من روی عن النبی (ص) من الرجال و من النساء

این دو کتاب از آن شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی (م ۳۸۱ق) محدث و

فقیه شهیر شیعه است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۹۰) که نوشته‌های دیگری در صحابه‌نگاری دارد.

کتب رجالی شیعه و رابطه آنها با صحابه‌نگاری

افزون بر این تألیف‌ها، کتاب‌های رجالی و طبقات‌نگاری عام (صحابه و دیگران) را نباید فراموش کرد:

رجال ابو عبدالله محمد بن خالد برقی از اصحاب امام کاظم (ع)؛

رجال ابن جبلة ابو محمد عبدالله بن جبلة بن حیان ابجر کنانی (م ۲۱۹ق)؛

رجال حسن بن فضال (م ۲۲۴ق) از اصحاب امام رضا (ع) و فرزندش علی بن

حسن؛

رجال حسن بن محبوب (م ۲۲۴ق)؛

رجال ابراهیم بن هلال ثقفی صاحب الغارات؛

رجال برقی ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد (م ۲۷۴ق) (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۲۷۶؛

تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۹۹؛ صدر، ۱۳۵۷ش، ص ۶۴ - ۶۵). همه این کتاب‌ها در سده

دوم و سوم نوشته شده‌اند. (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۸۰ و ۸۲)؛

طبقات الامامیه ابن ابی طی حلی. آغابزرگ گفته گویی این کتاب را از

طبقه صحابه آغاز کرده است؛ زیرا ابن حجر در الاصابه ذیل ترجمه یغوث صحابی

(ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۵۴۲) و سعنه (سعینه) بن عریض (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص

۸۲) می‌گوید: _____

به خط ابن ابی طی، مطالب مربوط به این دو را خوانده‌ام که بر صحابی بودن آن دو

دلالت دارد (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۱۹). استنباط از دو روایت برای اثبات صحابی

بودن آن دو نفر، روش ابن حجر در الاصابه است که از این رو، دعوی آغابزرگ

اثبات‌شدنی نیست.

هم‌چنین از ترتیب الکشی سید یوسف بن محمد بن محمد بن زین الدین

حسینی عاملی می‌توان یاد کرد که آن را در ۸۹۲ ق نوشته و بر پایه طبقات صحابه

پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) تنظیم کرده است (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۶۷). این

کتاب، هم‌نام کتاب جعابی؛ یعنی کتاب الشیعه من اصحاب الحدیث

و طبقاتهم (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۹۵) است که از زمان رسول خدا(ص) آغاز می‌شود.

برداشت چنین کتاب‌هایی در فهرست صحابه‌نگاری، به برداشت کتاب‌هایی مانند *الطبقات الکبری* ابن سعد از اهل سنت می‌ماند؛ زیرا بخشی از نام‌های آمده در آنها، ویژه صحابه است. البته این برداشت درباره صحابه‌نگاری مصطلح، با نگاه علمای اهل سنت به این دانش سازگار نیست، بلکه از باب توثیق و تضعیف راویان است. کتاب‌های مذکور شیعه به نام صحابه بر پایه ترتیب زمانی یا طبقاتی استوار شده و بی‌گمان در همین محدوده نیز یا به افراد شهیر یا به صحابی شیعی و وفادار به امیرمؤمنان (ع) یا تنها به آن دسته از صحابه پرداخته که روایاتی در باب فقه نقل کرده یا فقها به آنان توجه کرده‌اند. بنابراین، چنین نگارش‌ها را نمی‌توان از نمونه‌های صحابه‌نگاری مصطلح برشمرد، بلکه با نگاه کلی به رجال، از آنها می‌توان نام برد.

شیعه و تکنگاری صحابه

جز نمونه‌های عام یعنی؛ کتاب‌های صحابه‌نگاری و رجالی شیعه، دسته دیگری از نوشته‌ها را می‌توان از مجموعه‌های صحابه‌نگاری برشمرد که در قالب تکنگاری یا دسته‌ای خاص تدوین شده‌اند. تکنگاری‌های شیعه درباره صحابه به اندازه‌ای فراوان است که شناساندن آنها در سند گسترده‌تری امکان‌پذیر است و نویسندگان و مورخان پرکار و پرآوازه‌ای چون ابومخنف، نصر بن مزاحم منقری، جلودی، ثقفی و...، ده‌ها کتاب در این زمینه سامان داده‌اند که نامشان را *فهرست ابن ندیم* و *رجال نجاشی* و *فهرست شیخ طوسی* می‌توان دید. پیش از این به برخی از تکنگاری‌ها اشاره شد و در این جا از آثار دو تن از علمای بزرگ شیعه در این باره یاد می‌شود:

۱. بخشی از تألیفات جلودی

کتاب *مسند امیرالمؤمنین (ع)*؛ کتاب *ما نزل فی الخمسه (ع)*؛ کتاب *الفضائل*؛ کتاب *المتعلقه بعبده الله بن العباس (رضی الله عنه)*؛ *مسنده (رضی الله عنه)*؛ کتاب *ذکر خدیجه و فضل اهل البیت (ع)*؛ کتاب *ذکر فاطمه ابابکر*؛ کتاب *ذکر الحسن و الحسین (ع)*؛ کتاب *اخبار العباس*؛ کتاب *اخبار جعفر بن ابی طالب*؛ کتاب *اخبار حمزه بن عبدالمطلب*؛ *اخبار عقیل بن ابی طالب*؛ *اخبار ابی بکر و عمر*؛ *اخبار صعصعه بن صوحان (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۲۴۱ -*

۱(۲۴۵).

۲. بخشی از تألیفات صدوق

المعرفه فی فضل النبی والامیر المؤمنین و الحسن و الحسين؛ مولد امیر المؤمنین (ع)؛ اخبار فاطمه (س)؛ مولد فاطمه (س)؛ فضل الحسن و الحسين (ع)؛ اخبار جعفر طیار و فضائله؛ ایمان ابی طالب؛ اخبار سلمان و زهده و فضائله؛ اخبار ابی ذر و فضائله (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۸۹ - ۳۹۰).

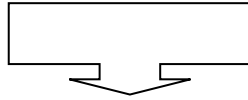
نمودار صفحه بعد، جایگاه و چگونگی تأثیرگذاری صحابه‌نگاران شیعه را در سیر پیدایی و دگرگونی صحابه‌نگاری در قالب پلکانی نشان می‌دهد. هم‌چنین کتاب ابن ابی‌رافع و هشام کلبی و ابن عقده را که از دید موضوعی مشترکند، در این نمودار تا سده نهم می‌توان ردیابی کرد.^۲



۱. برای آگاهی بیشتر درباره جلودی و آثار وی، رک: داداش‌نژاد، منصور (تابستان ۱۳۸۶)، «تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین»، *نامه تاریخ‌پژوهان*، ش ۱۰.
۲. این نمودار در قالبی تفصیلی همراه با مدارک لازم گرد آمده و در سندهای پژوهش تفصیلی این موضوع منتشر خواهد شد.

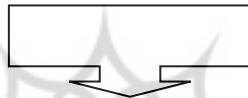
عبيدالله بن ابي رافع (م قرن اول)، تسميه من شهد مع امير المؤمنين من الصحابه الجمل و صفين و

النهروان



مطين (م ۲۹۷ق)، كتاب الصحابه
محمد بن حبيب (م ۲۴۵ق)، المحبر
طبرانی (م ۳۶۰ق)، المعجم الكبير
قاضي نعمان (م ۳۶۳ق)، شرح الاخبار
ابونعيم اصفهانی (م ۴۳۰ق)، معرفه الصحابه
ابن العديم (م ۶۶۰ق)، بغيه الطلب في تاريخ حلب

مطين (م ۲۹۷)، كتاب الصحابه



باوردی (م ۳۰۱ق)، معرفه الصحابه
طبرانی (م ۳۶۰ق)، المعجم الكبير

طبرانی + باوردی +

هشام كلبی (م ۲۰۵ق)، تسميه من شهد من الصحابه الجمل و صفين و النهروان مع على +
عباد بن يعقوب رواجني (م ۲۵۰ق)، كتاب المعرفة (في الصحابه)
ابوالعباس بن عقده (م ۳۳۳ق)، تسميه من شهد مع امير المؤمنين (ع) حروبه

جعابی (م ۳۵۵ق)، كتاب الصحابه



ابن سکن (م ۳۵۵ق) الحروف بالصحابه + ابن شاهين (م ۳۸۵ق) كتاب الصحابه



ابن منده (م ۳۵۹ق)، معرفه الصحابه
ابن عبدالبر (م ۴۶۳ق)، الاستيعاب في معرفه الاصحاب
ابن فتحون (م ۵۲۰ق)، الاستلحاق على الاستيعاب
ابوموسی مدینی (م ۵۸۱ق)، ذيل معرفه الصحابه لابن منده
ابن اثير (م ۶۳۰ق)، اسد الغابه في معرفه الصحابه
مغلطای (م ۷۶۲ق)، الانابه في من اختلف فيهم من الصحابه
ابن حجر (م ۸۵۲ق)، الاصابه في تمييز الصحابه

نتیجه

نیازی که در سده‌های اول و دوم هجری در جامعه مسلمانان به پیدایی دانش سیره نبوی انجامید، زمینه را برای پیدایی دانشی درباره سیره‌نگاری فراهم آورد. این دانش صحابه‌نگاری نام گرفت و آرام‌آرام گسترش یافت؛ چنان‌که از دانش سیره جدا شد. به‌رغم دیدگاه رایج در این باره و بر پایه استناد به منابع تاریخی، شیعیان بنیادگذار صحابه‌نگاری بودند؛ چنان‌که دانش‌های اسلامی دیگری نیز پدید آوردند. نخستین نوشته‌های مهم و تأثیرگذار در این دانش، از آن دانشمندان شیعه بوده است؛ چنان‌که در پیدایی آثار بسیار مهم اهل سنت در این زمینه نیز نمی‌توان از تأثیرگذاری صحابه‌نگاران و صحابه‌نگاری‌های شیعیان چشم پوشید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

کتابها

۱. ابنابی الحدید، عبدالحمید بن محمد (۱۳۷۸ ق)، شرح نهج البلاغة، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، اسماعیلیان، افسست از چاپ اول، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۱۵ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدال موجود و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳. ابن العماد حنبلی، عبدالحی (بی تا)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت، دار احیاء التراث.
۴. ابن النجار بغدادی، محمد بن محمود (۱۴۱۷ ق)، ذیل تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر یحیی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۸۰ ق)، معالم العلماء، به کوشش سید محمدصادق بحر العلوم، نجف، مطبعه الحیدریه.
۶. ابن عبدالبر اندلسی، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۵ ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق الشیخ عادل احمد عبد الموجود، الشیخ علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۷. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ ق)، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۸. ابن حبان، محمد (بی تا)، کتاب المجروحین من المحدثین والضعفاء و المتروکین، تحقیق محمود ابراهیم زائد، مکه مکرمه، دارالبارز.
۹. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۸ ق)، فتح الباری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۰. ----- (۱۳۹۰ ق)، لسان المیزان، بیروت، مؤسسه الاعلمی

- للمطبوعات.
۱۱. ----- (۱۴۰۴ ق)، تهذيب التهذيب، بيروت، دارالفکر.
 ۱۲. ----- (۱۴۱۵ ق)، الاصابه في تمييز الصحابه، تحقيق الشيخ عادل أحمد عبدالموجود، الشيخ علي محمد معوض، بيروت، دارالکتب العلمیة.
 ۱۳. ابن حزم، علي بن احمد (۱۴۱۲ ق)، أسماء الصحابة الرواة، تحقيق سيد کردی حسن، بيروت، دارالکتب العلمیة.
 ۱۴. ابن طاووس، علي بن موسی (۱۴۱۳ ق)، اليقين، تحقيق انصاری، قم، مؤسسه دارالکتاب.
 ۱۵. ابن عدی، ابواحمد عبدالله (۱۴۱۸ ق)، الكامل في ضعفاء الرجال، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و علي محمد معوض، بيروت، دارالکتب العلمیة.
 ۱۶. ابن عساکر، ابوالقاسم علي بن الحسن (۱۴۱۷)، تاريخ مدينه دمشق، تحقيق علي شیری، بيروت، دارالفکر.
 ۱۷. ابن منده، ابوزکریا، يحيى بن عبدالوهاب (بی تا)، جزء ترجمه الطبرانی، بی جا، بی نا.
 ۱۸. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا)، الفهرست، تحقيق رضا تجدد، تهران، بی نا.
 ۱۹. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۹۳۴ م)، ذکر اخبار اصبهان، لیدن، بی نا.
 ۲۰. امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶)، الغدير في کتاب و السنه، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
 ۲۱. باشا البغدادی، اسماعیل (بی تا)، هديه العارفین، بيروت، دار إحياء التراث العربی.
 ۲۲. بروجردی، علي اصغر جابلقی (۱۴۱۰ ق)، طرائف المقال، تحقيق مهدی روحانی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۲۳. تهرانى، آغابزرگ (۱۴۰۳ ق)، الذریعه الي تصانيف الشیعه، بيروت، دارالاضواء.

۲۴. حسین، میرحامد (۱۴۰۵ ق)، خلاصة عبقات الانوار، تهران، مؤسسة البعثه، قسم الدراسات الإسلامية.
۲۵. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ ق)، ایضاح الاشتباه، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۲۶. ----- (۱۴۱۷ ق)، خلاصة الاقوال، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۷. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ ق)، تاریخ بغداد او مدینة السلام، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲۸. خلیفه، حاجی (بی تا)، کشف الظنون، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۹. دارقطنی (۱۴۰۴ ق)، سؤالات حمزه بن یوسف السهمی، تحقیق موفق بن عبدالله بن عبد القادر، الرياض، مكتبة العارف.
۳۰. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ ق)، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الانووط، بی جا، مؤسسة الرسالة.
۳۱. ----- (۱۴۰۷ ق)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی.
۳۲. ----- (۱۴۱۶ ق)، میزان الاعتدال، تحقیق علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۳۳. ----- (بی تا)، تذکرة الحفاظ، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳۴. زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۰ م)، الأعلام، بیروت، دارالعلم للملایین.
۳۵. سبط ابن الجوزی، یوسف بن قزغلی (بی تا)، تذکرة الخواص، تهران، مكتبة نینوی الحدیثه.
۳۶. سزگین، فؤاد (۱۴۱۲ ق)، تاریخ التراث العربی، قم، مكتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۳۷. سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۰۸ م)، الانساب، تحقیق عبدالله عمر البارودی، بیروت، دارالجنان.
۳۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (بی تا)، الدر المنثور، بیروت، دار

- الفكر.
۳۹. شاکر محمود عبدالمنعم (۱۴۱۷ق)، ابن حجر العسقلانی مصنفاته و دراسه فی منهجه و مواردہ فی کتاب الاصابہ، بیروت، مؤسسہ الرسالہ.
۴۰. شرف‌الدین عاملی، عبدالحسین (۱۴۰۲ق)، المراجعات، تحقیق حسین الرازی، بیروت، بی‌نا.
۴۱. شهرزوی، عثمان بن عبدالرحمن (۱۴۱۶ق)، مقدمه ابن صلاح فی علوم الحدیث، تحقیق ابو عبدالرحمن صلاح بن محمد بن عویض، بیروت، دار الکتب العلمیہ.
۴۲. شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۰ق)، قاموس الرجال، قم، مؤسسۃ النشر الاسلامی.
۴۳. شیبانی، محمد ابراهیم (۱۴۱۴)، معجم ما الف عن الصحابه و امهات المؤمنین و آل البیت (رضی اللہ عنہم)، کویت، مرکز المخطوطات و التراث و الوثائق.
۴۴. صدر، حسن (۱۳۵۷)، شیعه و پایہ‌گذاری علوم اسلامی، ترجمه محمد مختاری، تهران، انتشارات روزبه.
۴۵. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، عیون اخبار الرضا (ع)، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسہ الاعلمی للمطبوعات.
۴۶. صفدی، خلیل بن ایبک (۱۴۲۰ق)، الوافی بالوفیات، تحقیق احمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث.
۴۷. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۵)، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبد الحمید السلفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌نا.
۴۸. طبری شیعی، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق)، المسترشد، تحقیق احمد محمود، بی‌جا، مؤسسہ النشر الاسلامیہ.
۴۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسۃ النشر الاسلامی.
۵۰. ---- (۱۴۱۷ق)، الفهرست، تحقیق جواد قیومی، مؤسسۃ النشر الفقاهۃ.

۵۱. عقيلي، محمد بن عمرو (۱۴۱۸ ق)، *الضعفاء الكبير*، تحقيق عبدالمعطي أمين قلعي، بيروت، دار الكتب العلمية.
۵۲. قاضي نعمان تميمي، ابوحنيفه محمد بن نعمان (۱۴۱۴ ق)، *شرح الاخبار في مناقب الائمة الاطهار*، قم، مؤسسة النشر الاسلامي.
۵۳. قيسى دمشقي، ابن ناصرالدين محمد بن عبدالله (۱۴۱۴ ق)، *توضيح المشتبه في ضبط اسماء الرواة و انسابهم و القابهم و كناهم*، تحقيق محمد نعيم العرقسوسي، بيروت، مؤسسة الرسالة.
۵۴. كوفي، محمد بن سليمان (۱۴۱۲ ق)، *مناقب الامام امير المؤمنين (ع)*، تحقيق محمد باقر محمودي، دار احياء الثقافه الاسلاميه.
۵۵. كحاله، عمر رضا (بي تا)، *معجم المؤلفين*، بيروت، دار احياء التراث العربي.
۵۶. كلبرگ، اتان (۱۳۷۱ ش)، *كتابخانه ابن طاووس*، ترجمه علي قرائي و رسول جعفریان، قم، كتابخانه تخصصي تاريخ اسلام و ايران.
۵۷. گروه تاريخ (۱۳۸۶)، *تاريخ تشيع*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵۸. مدرسي، حسين (۱۳۸۳)، *ميراث مکتوب شيعه از سه قرن نخستين*، قم، كتابخانه تخصصي تاريخ اسلام و ايران.
۵۹. مزّي، يوسف بن عبدالرحمن (۱۴۰۴ ق)، *تهذيب الكمال في اسماء الرجال*، تحقيق بشار عواد معروف، بيروت، مؤسسة الرسالة.
۶۰. مسعودي، علي بن حسين (۱۳۸۴ ق)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقيق محبي الدين عبدالحميد، مصر، مطبعة السعاده.
۶۱. مغلطاي، ابن قليچ (۱۴۲۲ ق)، *اکمال تهذيب الكمال*، تحقيق عادل بن محمد و اسامه بن ابراهيم، بی جا، الفاروق الحديثه للطباعة و النشر.
۶۲. مفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ق)، *الارشاد في معرفه حجج الله على العباد*، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
۶۳. ----- (۱۴۱۳ ق)، *مصنفات الشيخ المفيد (الجمال والنصرة لسيد العترة في حرب البصره)*، تحقيق علي

- میرشریفی، قم، المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
۶۴. منقری، نصر بن مُزاحم (۱۴۰۴ ق)، *وقعة صفین*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، منشورات مکتبة آية الله العظمی مرعشی.
۶۵. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ ق)، *رجال النجاشی*، تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۶۶. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۲ ق)، *مستدرکات علم رجال الحدیث*، بی جا، بی نا.
۶۷. نیسابوری، ابن خزیمه محمد بن اسحاق (بی تا)، *صحیح ابن خزیمه*، تحقیق محمد مصطفی الأعظمی، بیروت، المکتب الإسلامی.
۶۸. هدایت پناه، محمدرضا (۱۳۸۹)، *بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مقاله ها

۶۹. داداش نژاد، منصور (تابستان ۱۳۸۶)، «تاریخ نگاری شیعیان در سده های نخستین»، *نامه تاریخ پژوهان*، ش ۱۰.
۷۰. حسینی جلالی، محمدرضا (۱۴۰۹ ق)، «التسمیات طلیعه المؤلفات فی الحضارة الاسلامیه»، *تراثنا*، ش ۱۵، سال چهارم.
۷۱. طباطبایی، عبدالعزیز (رجب ۱۴۱۰)، «اهل البيت فی المکتبه العربیه»، *تراثنا*، ش ۲۰، سال پنجم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی